

# زبان فارسی و کوشش‌های ایرانی

سال چهارم، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۸  
صفحات ۱۴۴-۱۲۱

## پسوندهای اشتقاقی «-ین» و «-ینه» در چارچوب ساخت‌واژه ساختی

پارسا بامشادی<sup>۱</sup>

شادی انصاریان<sup>۲</sup>

دکتر نگار داوری اردکانی<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۷

### چکیده

پژوهش حاضر دو پسوند اشتقاقی «-ین» و «-ینه» را در زبان فارسی بررسی و سویه‌های گوناگون معنایی و صوری آنها را واکاوی می‌نماید و می‌کوشد با رویکرد ساخت‌بنیاد در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ساختی الگوهای واژه‌سازی را بر پایه مفهوم «طرحواره‌های ساختی» و رابطه پایگانی این طرحواره‌ها تبیین نماید. ساخت‌واژه ساختی نظریه‌ای واژه‌بنیاد و نشانه‌بنیاد در حوزه ساخت‌واژه است که رویکردی شناختی و کاربردی‌بنیاد به واژه‌سازی دارد. داده‌های پژوهش برگرفته از پیکره ساخت‌واژی نگارندگان، با بیش از ۱۲۰۰۰ واژه مشتق و مرکب فارسی، و فرهنگ فارسی زانسو (کشانی، ۱۳۷۲) است که ۷۱ واژه مشتق ساخته‌شده با پسوند «-ین» و ۵۹ واژه ساخته‌شده با پسوند «-ینه» را در بر می‌گیرد. براساس یافته‌های پژوهش این پسوندها تنوع معنایی چشمگیری دارند که در سطح طرحواره‌های ساختی انتزاعی قابل تبیین است نه در سطح واژه‌های عینی زبان و از همین رو آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند. پسوند «-ین» می‌تواند در ۷ زیرطرحواره ساختی نمایان شود و واژه‌هایی از مقوله صفت بسازد، اما «-ینه» دارای ۹ زیرطرحواره ساختی است و واژه‌هایی از مقوله اسم و صفت می‌سازد.

واژگان کلیدی: صرف ساختی، پسوندافزایی، پسوند اشتقاقی، واژه‌سازی، رویکرد ساخت‌بنیاد

✉ parsa.bamshadi@gmail.com

۲۰۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران

## ۱- مقدمه

وندافزایی از فرایندهای اصلی و بسیار پرکاربرد واژه‌سازی در زبان فارسی است و این زبان با برخورداری از ده‌ها پیشوند و پسوند اشتقاقی توانمندی و قابلیت زیادی برای ساختن واژه‌های مشتق و بیان معانی گوناگون به کمک این‌ها دارد. پسوندهای «-ین» و «-ینه» دو پسوند نسبتاً زایا در زبان فارسی هستند که بیشتر برای ساخت صفت به کار می‌روند. بیشتر پژوهشگرانی که تا به امروز، چه در چارچوب دستور سنتی و چه در قالب رویکردهای نوین زبان‌شناسی، پیرامون این دو پسوند سخن گفته‌اند آنها را پسوندهای «نسبت» و سازنده صفت نسبی به شمار آورده‌اند. در پژوهش پیش‌رو به بررسی دو پسوند «-ین» و «-ینه» می‌پردازیم و می‌کوشیم در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ساختی (بوی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰، ۲۰۱۸) سویه‌های معنایی و صوری واژه‌های حاصل از این دو پسوند را واکاوی نماییم. این نظریه رویکردی ساخت‌بنیاد به حوزه واژه‌سازی دارد و می‌کوشد الگوهای واژه‌سازی را بر پایه مفهوم «طرحواره‌های ساختی» و رابطه پایگانی میان این طرحواره‌ها تبیین نماید. از این‌رو، در این پژوهش برآنیم تا طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های ساختی مربوط به هر یک از این دو پسوند را شناسایی و تحلیل و رابطه پایگانی آنها را بررسی و ترسیم نماییم. پرسش اصلی پژوهش این است که معنای گوناگون دو پسوند «-ین» و «-ینه» را چگونه می‌توان به کمک طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های ساختی تحلیل نمود و چندمعنایی الگوهای ساخت‌واژی این دو پسوند را چگونه می‌توان توضیح داد؟ به‌رغم نظراتی که درباره معنای این دو پسوند در دست‌نویسی و ساخت‌واژه‌پژوهی سنتی داده‌اند، پیرامون چندمعنایی آنها هیچ تحلیلی ارائه نشده و پژوهش حاضر می‌کوشد به تحلیل این موضوع در چارچوب زبان‌شناسی شناختی بپردازد. داده‌های پژوهش برگرفته از پیکره ساخت‌واژی خود نگارندگان<sup>(۱)</sup> با بیش از ۱۲۰۰۰ واژه مشتق و مرکب فارسی، و فرهنگ فارسی زانسو<sup>(۲)</sup> (کشانی، ۱۳۷۲) بوده که در برگیرنده ۷۱ واژه دارای پسوند «-ین» و ۵۹ واژه دارای پسوند «-ینه» است. نخست واژه‌های دارای هر پسوند براساس شباهت‌های معنایی دسته‌بندی و پس از شناسایی ویژگی‌های صوری و معنایی هر دسته از این واژه‌ها، بازنمایی طرحواره‌های آنها ارائه می‌شود. در گام بعدی، رابطه پایگانی زیرطرحواره‌ها از پایین به بالا بررسی شده تا شبکه طرحواره‌ای- ساختی هر پسوند ترسیم شود.

در بخش‌های بعدی، با معرفی پایگاه نظری پژوهش و بحث پیرامون تبیین چندمعنایی در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ساختی، به بررسی چندمعنایی این پسوندها می‌پردازیم.

## ۲- پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهشگران پسوندهای «-ین» و «-ینه» را دارای معنای «نسبت» دانسته‌اند. اصطلاح «نسبت» در معناشناسی ساختارهای اشتقاقی و ترکیبی زبان فارسی رایج و خاستگاه آن نگاه سنتی به حوزه ساخت‌واژه و دستورنویسی سنتی است. این اصطلاح کلی و عام است و منظور به کاربرندگان آن در حوزه معناشناسی وندها این است که واژه حاصل از افزودن وندها به پایه، یعنی واژه حاصل از اشتقاق، از نظر معنایی با واژه پایه دارای نسبت و رابطه است. این در حالی است که همه واژه‌های حاصل از اشتقاق بی‌گمان با واژه پایه خود رابطه و نسبت دارند اما باید مشخص شود که این نسبت/رابطه چه نوعی است، یعنی باید چیستی و چگونگی آن را شناسایی و توصیف نمود. با وجود این، نجفیان و همکاران (۱۳۹۴) «نسبت» را مفهومی جهانی دانسته‌اند که در زبان‌های گوناگون به شیوه‌های گوناگون بازنمایی می‌گردد. از دید اینان «-ی، -ین، -ینه، -گان، -گانه، -انه، -ییه» در گونه گفتاری و نوشتاری زبان فارسی پسوندهای نسبت‌سازند و صفت‌های ساخته‌شده با این پسوندها گونه‌ای ارتباط و وابستگی با موصوف خود نشان می‌دهند که نوع این ارتباط در بیشتر موارد از بافت سخن فهمیده می‌شود.

صمصامی (۱۳۴۶: ۴۱۲-۴۱۰) پسوند «-ین» را بیانگر نسبت (دوشین، دیرین)، جنسیت (آهنین) و اعداد ترتیبی (دومین) دانسته‌است. وی «-ینه» را پسوند نسبت نامیده که می‌تواند به اسم (آهنینه)، صفت (نرینه) و قید (دیرینه) افزوده شود. «-ینه» معنای جنسیت نیز دارد. بهشتی (۱۳۵۵: ۱۳۰) می‌نویسد پسوند «-ین» به اسم ذات (بلورین، لاجوردین، خونین)، اسم معنا (غمین، ننگین) یا قید مکان (زیرین، پسین) افزوده می‌شود و صفت بیانی یا توصیفی می‌سازد. او اشاره می‌کند که این پسوند در ترکیب با اسم ذات بیان‌کننده جنس موصوف خود است (ابریشمین، چوبین). وی (همان: ۸۴-۸۵) در اشاره‌ای کوتاه می‌نویسد که پسوند «-ینه» با افزوده شدن به اسم ذات (گنجینه، نمکینه)، اسم عربی مشترک با صفت (نقدینه) و اسم زمان (روزینه) می‌تواند اسم ذات یا اسم معنا بسازد. این پسوند در ترکیب با برخی از اسم‌های ذات (گنج) بیانگر معنای شباهت است. «-ین» صفت‌ساز ولی «-ینه» اسم‌ساز است.

فراگیرترین و دقیق‌ترین واکاوای معنایی «-ین» و «-ینه» از آن کشانی (۱۳۷۱) و سامعی و تفسیری (۱۳۹۳) است. اینان در توصیف معنایی این پسوندها اصطلاح «نسبت» به کار برده‌اند و کوشیده‌اند معنا یا کاربرد واژه‌های حاصل از این پسوندها را به‌دقت بازنمایانند.

از دید کشانی (۱۳۷۱: ۳۶-۳۷) «-ین» فعال‌ترین و زیاترین پسوند ادبی زبان فارسی است که می‌تواند برای بیان جنسیت (پشمین)، رنگ (لاجوردین)، حالات روحی شخص (شرمین)، کیفیت عمل (ننگین)، صفت زمان (امروزین)، صفت عالی (بزرگ‌ترین)، اعداد ترتیبی (اولین) و لباس (گرگین) به کار رود. کشانی (همان: ۴۳) «-ینه» را پسوندی غیرفعال در فارسی امروز دانسته و آن را سازنده صفت زمان (دیرینه، پارینه)، نام غذا (آردینه، خاکینه) و اسم پوشاک (پلنگینه و گرگینه) به شمار آورده‌است.

سامعی و تفسیری (۱۳۹۳: ۱۴۰-۱۳۸) هشت ساختار متفاوت برای «-ین» در نظر گرفته‌اند: (۱) اسم (چیز) + ین ← صفت با معنای جنس (آتشین، آهنین، کاغذین)؛ (۲) اسم (چیز) + ین ← صفت با معنای شباهت (آتشین، شکرین، نگارین)؛ (۳) اسم (چیز) + ین ← صفت با معنای شباهت رنگ (زرین، لاجوردین)؛ (۴) اسم (چیز) + ین ← صفت با معنای آغشتگی (چرکین، خونین)؛ (۵) اسم (حالت) + ین ← صفت با معنای آمیختگی (شرمین، ننگین)؛ (۶) اسم (زمان) + ین ← صفت با معنای تعلق (آغازین، امروزین)؛ (۷) اسم (مکان) + ین ← صفت با معنای تعلق (انجامین، زیرین)؛ (۸) صفت (مرتب‌ه) + ین ← صفت با معنای تخصیص (اولین، چندمین). این پژوهشگران (همان: ۱۴۱) دو ساختار نیز برای پسوند «-ینه» شناسایی کرده‌اند: (۱) اسم (چیز) + ینه ← اسم با معنای نسبت (پلنگینه، دستینه، گنجینه)؛ (۲) اسم (چیز) + ینه ← صفت/اسم با معنای نسبت و جنس (زرینه، سفالینه، مویینه).

کلباسی (۱۳۹۱: ۱۲۳) می‌نویسد که «-ین» با افزوده شدن به اسم یا صفت می‌تواند اسم یا صفت بسازد (بلورین، نمکین، نخستین، بهین، بازپسین)، بیانگر معنای «نسبت» است و گاه می‌تواند با ضمیر مبهم یا پرسشی نیز ترکیب شود (چندین، کدامین). وی (همان: ۱۲۴) «-ینه» را دارای معنای «نسبت» دانسته که می‌تواند با اسم یا صفت ترکیب شود و اسم یا صفت بسازد (پشمینه، دوشینه، پیشینه، نقدینه). کلباسی (۱۳۹۱) برای «-ین» و «-ینه» معنایی جز معنای بسیار کلی «نسبت» ذکر نکرده‌است.

شریعت (۱۳۹۰) «-ین» را از پسوندهای نسبت فارسی دانسته که از اسم صفت نسبی می‌سازد (سنگین، زرین، رنگین) و برای ساختن عدد ترتیبی (چهارمین)، صفت عالی

(بزرگ‌ترین) نیز به کار می‌رود. «-ینه» حاصل افزودن پسوند «-ه» به «-ین» است و ماهیت مستقلی ندارد. صادقی (۱۳۷۲) «-ین» را سازندهٔ صفت‌های بیانگر جنس (زرین، چوبین)، کثرت (رنگین، خونین) و نسبت (زرین، دروغین) دانسته‌است. به باور وی پسوند «-ینه» در چند مورد به اسم افزوده شده و صفت نسبی ساخته‌است که بیانگر جنس و نوع موصوف است (زین، مادینه)، البته در واژهٔ «دیرینه» این پسوند به صفت/ قید «دیر» افزوده شده‌است.

تاکی (۱۳۹۱) «-ینه» را دارای نقش‌های زمانی (پارینه، دیرینه، پیشینه) و ماده‌ای (چرمینه، زرینه، پشمینه) دانسته‌است. وی «-ین» را نیز دارای نقش ماده‌ای دانسته‌است (چرمین، زرین، سیمین). نجفیان و همکاران (۱۳۹۴) «-ین» و «-ینه» را در زمرهٔ پسوندهای نسبت‌ساز زبان فارسی دانسته و آنها را در کنار دیگر پسوندهای نسبت‌ساز فارسی (ی، -گان، -گانه و -انه) در چارچوب صرف کاربردشناختی<sup>۱</sup> بررسی نموده‌اند. این پژوهشگران پسوند «ین» را بیانگر نسبت، جنسیت، اعداد ترتیبی و نام خانوادگی دانسته‌اند.

به گفتهٔ ابوالقاسمی (۱۳۷۵: ۳۰۲، ۳۱۷، ۳۳۵) «-ین» بازماندهٔ پسوند -aina- در زبان‌های ایرانی باستان است که برای ساختن صفت نسبی به کار می‌رفته‌است. در ایرانی میانهٔ غربی به صورت ēn- درآمده و برای ساختن صفت نسبی از اسم ذات، صفت از اسم معنا و صفت عالی از صفت تفضیلی کاربرد داشته‌است. سپس وارد فارسی دری شده، به صورت «-ین» درآمده و برای ساختن صفت نسبی از اسم ذات (آهنین، زرین)، ساختن صفت از اسم معنا (غمین، خمین) و صفت عالی از صفت تفضیلی (بهین) به کار می‌رود. وی (همان: ۳۳۶) «-ینه» را بازماندهٔ ēnag- در فارسی دری می‌داند که صورت دیگری از ēn- در این زبان بوده و امروزه برای ساختن صفت نسبی از اسم ذات (سفالینه، پشمینه) و اسم نسبت از صفت تفضیلی سمعی (بیشینه، بهینه) کاربرد دارد.

نظریهٔ ساخت‌واژهٔ ساختی<sup>۲</sup> (بوی، ۲۰۱۰، ۲۰۱۸) در قلمرو زبان‌شناسی نوپاست و چندان بدان توجه نشده‌است. در سال‌های اخیر رفیعی (۱۳۹۱) به معرفی نظریهٔ ساخت‌واژهٔ ساختی با مثال‌هایی از زبان فارسی پرداخته‌است؛ رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) بحث وراثت و انگیختگی در رابطهٔ صورت و معنا در واژگان زبان فارسی را برپایهٔ ساخت‌واژهٔ ساختی مطرح کرده و با شواهدی از ساخت‌های اشتقاقی و ترکیبی زبان فارسی کارایی این نظریه را در واکاوی واژه‌های مشتق و مرکب فارسی نشان داده‌اند؛ بامشادی و انصاریان (۱۳۹۴) به تبیین

1. morphopragmatics

2. Construction Morphology (CM)

ساختارهای ساخت‌واژی ناپایگانی زبان فارسی در چارچوب این نظریه پرداخته‌اند؛ بامشادی و انصاریان (۱۳۹۵) بنیادها و سازوکارهای نظری رویکرد ساخت‌بنیاد به آموزش واژه‌های مشتق و مرکب زبان فارسی را معرفی و بررسی کرده و به واکاوی دستاوردها و سودمندی‌های اتخاذ این رویکرد در آموزش این واژه‌ها برای فارسی‌آموزان پرداخته‌اند؛ عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۵) ساخت [x-یاب] در زبان فارسی را از دیدگاه ساخت‌واژه ساختی بررسی کرده‌اند؛ بامشادی و قطره (۱۳۹۶) چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی را در چارچوب ساخت‌واژه ساختی بررسی کرده‌اند. بامشادی و همکاران (۱۳۹۷) چندمعنایی پسوند «-انه» فارسی را در چارچوب این نظریه مطالعه کرده‌اند. بامشادی و انصاریان (زیر چاپ) با بهره‌گیری از مفهوم «طرحواره مرتبه دوم»<sup>۱</sup> در چارچوب نظریه ساخت‌واژه ساختی، چگونگی شکل‌گیری صفت‌های نسبی همتای سه ساختار ترکیبی زبان فارسی شامل [اسم - شناسی]، [اسم - نگاری] و [اسم - کاوی] را بررسی و رابطه این دسته از اسم‌ها و صفت‌ها را تبیین کرده‌اند.

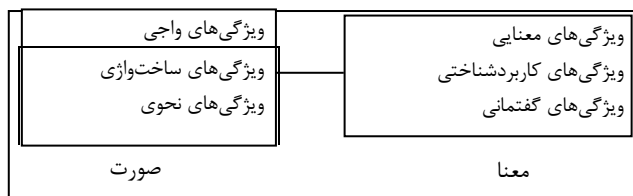
### ۳- چارچوب نظری پژوهش

#### ۳-۱- ساخت‌واژه ساختی

ساخت‌واژه ساختی نظریه‌ای واژه‌بنیاد، در برابر تکواژبنیاد، و ساخت‌بنیاد، در برابر قاعده‌بنیاد است که رویکردی شناختی و کاربردی‌بنیاد به واژه‌سازی دارد. به گفته بوی (۲۰۱۸: ۳) ساخت‌واژه ساختی دارای سه ویژگی کلیدی است: ساخت‌واژه واژه‌بنیاد است نه تکواژبنیاد؛ الگوهای ساخت‌واژی به‌مثابه «ساخت»<sup>۲</sup>، یعنی جفت صورت-معنا در نظر گرفته می‌شوند؛ میان دستور و واژگان مرز روشن و دقیقی نمی‌توان یافت<sup>۳</sup>. این نظریه رویکردی واژه‌بنیاد به حوزه ساخت‌واژه دارد، یعنی واژه‌های آمیخته<sup>۴</sup> را به‌صورت زنجیره‌ای از تکواژها در نظر نمی‌گیرد بلکه آنها را واحدهای معنادار مستقلی قلمداد می‌کند که در درون آنها می‌توان برپایه روابط جانشینی با دیگر واژه‌ها، اجزای سازنده (تکواژها) خاصی بازشناسی نمود. از این‌رو، این نظریه ساخت‌واژه را برابر «نحو تکواژها» نمی‌داند؛ یعنی واژه‌های آمیخته را نمی‌توان صرفاً براساس الحاق تکواژها تحلیل کرد بلکه آنها را باید بر پایه روابط جانشینی با دیگر واژه‌ها بازشناسی و واکاوی نمود (بوی، ۲۰۱۸: ۴-۵).

1. second order schemas  
2. construction  
3. complex words

نظریه ساخت‌واژه ساختی را نخستین بار به صورت منسجم و فراگیر بوی (۲۰۱۰) مطرح کرد. وی اصول رویکرد ساخت‌بنیاد به زبان را که پیش‌تر در نظریه‌های موسوم به دستورهای ساختی<sup>۱</sup> تجلی یافته بود وارد حوزه ساخت‌واژه و واژه‌سازی نمود. در این رویکرد دانش زبانی سخنگویان همان دانش «ساخت»های زبان به شمار می‌آید و واحد مطالعه زبان «ساخت» دانسته می‌شود. این رویکرد تفاوتی میان تکواژها و واژه‌ها از یک‌سو، و گروه‌ها و بندها از سوی دیگر قائل نیست و الگوهای واژه‌سازی و نحوی را «ساخت» به شمار می‌آورد. ساخت عبارت است از یک جفت صورت و معنا/ کارکرد که یادآور همان مفهوم «نشانه» در دیدگاه سوسوری است؛ البته با این تفاوت که سوسور مفهوم نشانه را تنها برای واژه‌ها به کار می‌برد ولی رویکرد ساخت‌بنیاد همه واحدهای واژگانی و نحوی زبان با درجات پیچیدگی گوناگون را ساخت می‌داند. از این‌رو، هر ساخت دارای دو بخش یا دو قطب است: معنایی و صوری. بخش صوری ساخت‌ها هم ویژگی‌های ساخت‌واژی-نحوی<sup>۲</sup> آنها را در بر می‌گیرد و هم ویژگی‌های واجی را. بخش معنایی ساخت‌ها نیز دربرگیرنده ویژگی‌های معنایی، کاربردشناختی و گفتمانی آن ساخت است. رابطه میان این دو بخش را پیوند نمادین<sup>۳</sup> می‌نامند. شکل زیر بازنمایی ساخت و دو بخش صوری و معنایی آن را نشان می‌دهد.



شکل ۱- ساخت و دو بخش معنایی و صوری آن (بوی، ۲۰۱۶: ۴۲۷)

در انگاره ساخت‌واژه ساختی برای توصیف و تبیین روابط سامانمند صورت و معنا در واژه‌های آمیخته (غیربسیط) از ابزار تحلیلی طرحواره‌های ساختی<sup>۴</sup> استفاده می‌شود. طرحواره‌های ساخت‌واژی نشان‌دهنده گشتالت واژه‌های آمیخته و ویژگی‌های کلی آنها هستند. این ویژگی‌های کلی که آنها را ویژگی‌های ساختی<sup>۵</sup> نیز می‌نامند، وابسته به کلیت

1. Construction Grammars
2. morphosyntactic
3. Symbolic link
4. constructional schema
5. constructional properties

ساخت هستند و نه برآمده از اجزای سازنده آن (بوی، ۲۰۱۸). برای نمونه، در واژه‌های بلندقد، زیبارو، سیه‌چشم (به معنای دارای/ برخوردار از قد بلند، روی زیبا، چشم سیه) مفهوم «دارندگی/ برخورداری» برآمده از اجزای ترکیب نیست بلکه وابسته به کلیت ساخت  $A \text{ } | \text{ } A$  است و از این رو، معنای ساختی به شمار می‌آید. طرحواره‌های ساخت‌واژی انتزاع‌یافته از واژه‌های عینی زبان‌اند که در اثر رویارویی زبانوران با واژه‌های آمیخته در ذهن آنها شکل می‌گیرد. برای نمونه، هنگامی که زبانور با واژه‌های زباله‌دان، شمعدان، نمکدان، قلمدان، کاهدان روبه‌رو شود، الگوی ساخت‌واژی [اسم + دان] اسم در ذهن او شکل می‌گیرد و این طرحواره را فرامی‌گیرد. واژه‌های پیش‌گفته همگی اسم‌هایی هستند که به ترتیب با اسم‌های زباله، شمع، نمک، قلم، کاه رابطهٔ سامانمند در صورت و معنا دارند. بازنمایی این صفت‌ها با طرحوارهٔ ساختی زیر انجام می‌شود:

b. <[محل یا ظرف نگهداری SEM<sub>i</sub>] ↔ [SEM<sub>i</sub> - dan]<sub>Nj</sub> >

در این طرحواره، پیکان دوسر نشان‌دهندهٔ همبستگی دوسویهٔ صورت و معناست. هم‌نمایه‌سازی برای نمایش رابطهٔ سامانمند صورت و معنا به کار می‌رود؛ SEM<sub>i</sub> اشاره به معنای عنصری دارد که نمایهٔ i به آن اختصاص یافته‌است و همان متغیر x است که می‌تواند با واژه‌ای از مقولهٔ اسم (N) جایگزین گردد. نمایهٔ j رابطهٔ کلیت صورت و معنای ساخت را برقرار می‌کند و بیانگر آن است که معنای کل ساخت با صورت کلی آن دارای پیوند است. حال اگر در این طرحواره اسم‌های «کلید» یا «قند» به جای متغیر x بنشینند اسم‌های «کلیددان» و «قند(د)ان» به دست می‌آید و می‌گوییم این واژه‌ها برساخت‌هایی<sup>۱</sup> از طرحوارهٔ موردنظرند. در رویکرد ساخت‌بنیاد باور بر این است که دانش زبانی سخنگویان هم در بردارندهٔ دانش ساخت‌ها (طرحواره‌های ساختی) است و هم برساخت‌ها (موارد ویژه و عینی). زبانوران نخست واژه‌های عینی که در کاربردهای روزمرهٔ زبان با آنها روبه‌رو می‌شوند را فرامی‌گیرند و سپس برپایهٔ آنها طرحواره‌سازی می‌کنند؛ طرحواره‌ها در واقع نیروی زایندهٔ دستور زبان‌اند (بوی، ۲۰۱۳: ۲۵۶).

طرحواره‌های ساخت‌واژی دو نقش کلیدی در زبان دارند؛ چگونگی شکل‌گیری قاموس‌واژه‌ها یا صورت‌واژه‌های نو را تعیین می‌کنند، و سبب انگیختگی<sup>۲</sup> در واژگان زبان می‌شوند. انگیختگی یعنی کاهش میزان دلخواهی بودن صورت و معنا (بوی، ۲۰۱۶: ۴۲۷). برای نمونه، در واژهٔ «نمک»

1. construct  
2. motivation

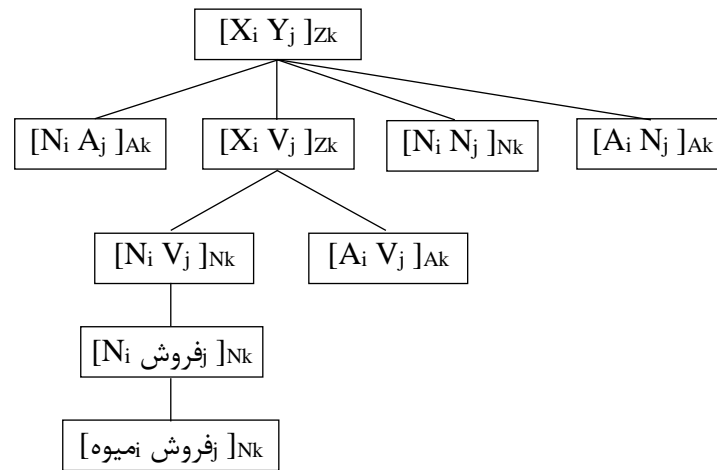


پیوند صورت و معنا کاملاً دلخواه و نانگيخته است اما واژه «نمکدان» از انگيختگی بسیاری دارد زیرا معنای آن وابسته به معنای پایه اسمی، یعنی «نمک» و معنای طرحواره ساختی حاکم بر آن است. طرحواره‌های ساخت‌واژی از لحاظ میزان زیایی با هم متفاوت‌اند. برای نمونه، طرحواره  $[[x]_V - \text{ænde}]_A$  طرحواره‌ای زیا در زبان فارسی است زیرا با افزودن پسوند «-نده» به ستاک حال فعل‌ها به‌سادگی می‌توان واژه‌های نو ساخت (سازنده، شتابنده، زبینه، رهاننده، پوینده، بالنده و مانند آن؛ ولی طرحواره  $[[x]_V - \text{ak}]_N$  زیایی کمتری دارد و واژه‌های اندکی برپایه آن شکل گرفته‌است (خوراک، پوشاک، سوزاک).

یکی از اصول کلیدی در ساخت‌واژه ساختی این است که واژگان زبان بسیار ساختارمندند و دلیل آن وجود طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌ها است. زیرطرحواره‌ها نمونه‌هایی از طرحواره‌ها هستند که صورت یا معنای آنها مشخص‌تر از صورت و معنای طرحواره‌هاست. برای نمونه، فرایند ترکیب که یکی از زیاترین فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی است را در نظر بگیرید. طرحواره کلی این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

$$[X_i Y_j]_{ZK} \leftrightarrow [SEM_i \text{ دارای رابطه } R \text{ با } SEM_j]_K$$

بخش صوری طرحواره که در سمت چپ پیکان نشان داده شده است بیانگر آن است که واژه‌ای از مقوله  $X$  با واژه‌ای از مقوله  $Y$  ترکیب شده و واژه مرکب حاصل از آن از مقوله  $Z$  خواهد بود. نماد  $SEM_i$  اشاره به معنای واژه  $X_i$  دارد و  $SEM_j$  بیانگر معنای  $Y_j$  است. در بخش معنایی طرحواره که در سمت راست پیکان قرار دارد، معنای کلیت طرحواره به صورت بسیار انتزاعی و به عنوان رابطه  $R$  میان معنای  $X$  و معنای  $Y$  بیان شده‌است. در اینجا ماهیت رابطه  $R$  به‌طور دقیق مشخص نیست و در زیرطرحواره‌های مرتبه پایین‌تر مشخص می‌شود. نماد  $k$  در اینجا نمایه‌ای است که میان بخش صوری و معنایی کل طرحواره پیوند برقرار می‌کند. این طرحواره می‌تواند دارای زیرطرحواره‌های گوناگونی برای ترکیب‌های  $NN$  (جنگ‌افزار)،  $NV$  (گل‌فروش)،  $AV$  (بلندگو)،  $AN$  (خوش‌رو)،  $NA$  (قدبلند) و مانند آن باشد که برخی از آنها زیاتر از بقیه هستند. میان هر طرحواره و زیرطرحواره‌های آن رابطه پایگانی وجود دارد. بخش کوچکی از ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرحواره ترکیب در زبان فارسی و زیرطرحواره‌های گوناگون آن را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



شکل ۲- بخشی از ساختار شبکه‌ای و پایگانی طرحواره ترکیب در زبان فارسی

در بالاترین سطح این نمودار، دو عنصر  $X$  و  $Y$  با هم ترکیب شده و واژه‌ای از مقوله  $Z$  به دست می‌آید. در سطح پایین‌تر، در سه زیرطرحواره مقوله دو عنصر  $X$  و  $Y$  مشخص می‌شود که اسم ( $N$ ) یا صفت ( $A$ ) است و در زیرطرحواره دیگر تنها مقوله عنصر  $Y$  مشخص می‌شود که فعل ( $V$ ) است. خود این زیرطرحواره در سطح پایین‌تر دارای دو زیرطرحواره است که در آنها ترکیب [اسم-فعل]، اسم و [صفت-فعل]، صفت را شاهد هستیم. باز در سطح پایین‌تر، به جای عنصر فعل در زیرطرحواره  $[N_i V_j]_{N_k}$  ستاک «فروش» می‌نشیند و سرانجام در پایین‌ترین سطح، به جای عنصر اسم، واژه «میوه» قرار می‌گیرد تا اینکه واژه عینی «میوه‌فروش» به دست آید. به این ترتیب، هرچه از بالای نمودار به سمت پایین بیاییم، از طرحواره‌بودگی کاسته و بر مشخص‌بودگی افزوده می‌شود.

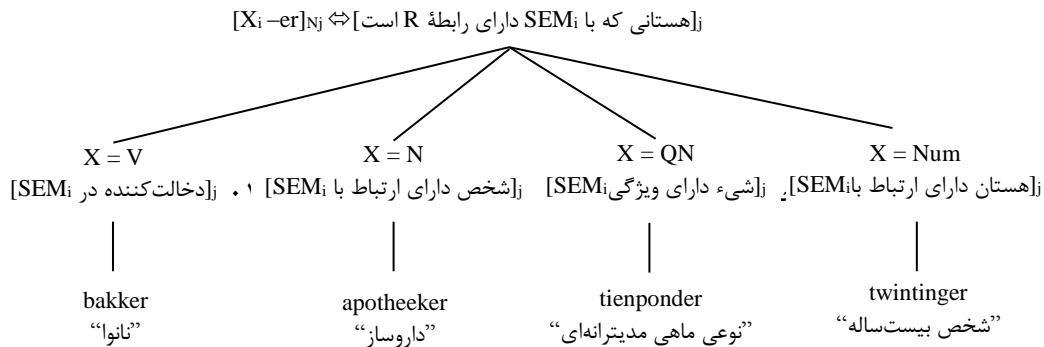
### ۳-۲- چندمعنایی در ساخت‌واژه ساختی

رویکرد ساخت‌بنیاد به واژه‌سازی که دیدگاه واژگان پایگانی<sup>۱</sup> دارای سطوح گوناگونی از تعمیم را سرلوحه خود قرار می‌دهد این امکان را فراهم می‌سازد که بتوانیم چندمعنایی واژه‌های آمیخته را به خوبی تبیین کنیم. اگر ما به وجود ساختار پایگانی برای واژگان ذهنی قائل باشیم می‌توانیم برای تفسیرها یا معناهای متفاوت یک ساخت، زیرطرحواره‌های متفاوت در نظر بگیریم. این

1. hierarchical lexicon

زیرطرحواره‌ها هم نشان‌دهنده الگوهای ساخت‌واژی کنونی موجود در زبان‌اند و هم تبیینگر چگونگی ایجاد واژه‌های جدید بر پایه این الگوهای ساخت‌واژی (بوی، ۲۰۰۷). هر زیرطرحواره ویژگی‌های طرحواره مرتبه بالاتر خود را به ارث می‌برد. این زیرطرحواره‌ها می‌توانند درجات گوناگونی از زایایی داشته باشند و سرچشمه ساخت واژه‌های نو قرار گیرند.

بوی (۲۰۱۰: ۸۴) چندمعنایی پسوند -er در زبان هلندی و طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های تعمیم‌یافته از اسم‌های مشتق دارای این پسوند را به شکل زیر نشان داده‌است. در این نمودار، QN بیانگر ترکیب کمیت-اسم است و Num نشانگر عدد.



#### ۴-۱- پسوند «-ین»

در ۶۱ مورد از واژه‌های گردآوری شده برای پسوند «-ین» این پسوند به پایه‌ای از مقوله اسم افزوده شده و واژه‌ای از مقوله صفت می‌سازد. از این‌رو، یکی از زیرطرحواره‌های قابل شناسایی در میان این واژه‌ها را به صورت  $[[a]_N - in]_A$  نمایش می‌دهیم. نماد a در این بازنمایی نشانگر یک عنصر متغیر است که می‌تواند با واژه‌ای از مقوله اسم (نشان داده شده با اندیس N) جانشین شود و پس از ترکیب با پسوند -in واژه‌ای از مقوله صفت (نشان داده شده با اندیس A) بسازد. با بررسی دقیق‌تر این واژه‌ها درمی‌یابیم که پایه اشتقاق می‌تواند اسم‌هایی از گونه‌های مختلف باشد که دسته‌بندی جزئی‌تری می‌توان از آنها ارائه داد: (۱) اسم‌های بیانگر یک چیز مادی و فیزیکی (چوب، آهن، خون، آتش) که در دستورهای سنتی معمولاً اسم ذات می‌نامند. برای اشاره به این اسم‌ها از نماد N-thing استفاده می‌کنیم؛ (۲) اسم‌های دال بر مفهوم‌های انتزاعی (غم، ننگ، شرم) که در دستورهای سنتی معمولاً اسم معنا نامیده می‌شوند و در اینجا آنها را با نماد N-abstract نمایش می‌دهیم؛ (۳) اسم‌های بیانگر مفهوم زمان که آنها

را با نماد N-time نشان می‌دهیم؛ ۴) اسم‌های دال بر مفهوم مکان که برای نمایش آنها از نماد N-loc استفاده می‌کنیم. از این‌رو، در مرتبه پایین‌تر از زیرطرحواره  $[[a]_N -in]_A$  چهار زیرطرحواره دیگر داریم که به بررسی سویه‌های صوری و معنایی آنها می‌پردازیم. واژه‌هایی دارای پسوند «-ین» که پایه آنها اسم دال بر مفهوم عینی و مادی (اسم ذات) است دارای سه معنای متفاوت‌اند:

در یک دسته از واژه‌ها پسوند «-ین» به اسم ذات که آن را در زیرطرحواره‌ها با نماد N-thing نشان می‌دهیم، افزوده شده و واژه‌ای از مقوله صفت می‌سازد که بیانگر جنس یا ماده سازنده است. بازنمایی این زیرطرحواره را به صورت زیر نمایش می‌دهیم:

1)  $[[a]_{(N-thing)_i} -in]_{A_j} \leftrightarrow [SEM_i \text{ از/تهیه‌شده از}]_{j_i}$

مانند: چوبین، سفالین، زرین، سیمین، گوشتین، برنجین، برنژین، پوستین، سنگین، آهنین، پولادین، زمردین، عنبرین، مُشکین، نم‌دین، کاغذین، آذرین، مرمرین، گوهرین، آتشین، نمکین، چرمین، گلین، پشمین، جُوبین، مسین، موبین  
واژه‌های حاصل از این زیرطرحواره از مقوله صفت و بیانگر مفهوم «جنس یا ماده سازنده اصلی» در اسم موصوف خود هستند، برای نمونه:

۱. کاسه چوبین: کاسه ساخته‌شده از چوب

۲. لباس پشمین / موبین / ابریشمین / چرمین: لباس تهیه‌شده از پشم / مو / ابریشم / چرم

۳. کلاه نم‌دین: کلاه ساخته‌شده از نم

۴. نان جوبین: نان تهیه‌شده از جو

در دسته دیگری از واژه‌ها، پسوند «-ین» در ترکیب با اسم ذات صفتی با معنای «آغشتگی و آمیختگی» می‌سازد که بازنمایی طرحواره‌ای-ساختی آن به صورت زیر است:

2)  $[[a]_{(N-thing)_i} -in]_{A_j} \leftrightarrow [SEM_i \text{ به آغشته}]_{j_i}$

مانند: رنگین، خونین، چرکین

صفت‌های حاصل از این زیرطرحواره مفهوم آغشتگی به معنای واژه پایه دارد، برای نمونه:

۵. دیوار رنگین: دیوار آغشته به رنگ

۶. لباس چرکین: لباس آغشته به چرک

۷. بدن خونین: بدن آغشته به خون

در سومین دسته از واژه‌های ساخته‌شده با پسوند «-ین» در ترکیب با اسم ذات معنای «شبهات و همسانی» دریافت می‌شود. بازنمایی طرحواره‌ای آن به صورت زیر خواهد بود:

3)  $[[a]_{(N\text{-thing})i} \text{-in}]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i \text{ به}]_j$

مانند: نوشین، آتشین، نگارین، مویین، لاجوردین<sup>(۴)</sup>

از این زیرطرحواره صفت‌هایی به دست می‌آید که مفهوم «شبهات و همسانی» میان موصوف و واژه پایه اشتقاق را بیان می‌کند، برای نمونه:

۸. خواب/ لب نوشین: خواب یا لب همچون نوش (به معنای شهد و انگبین)

۹. یار نگارین: یار همچون نگار

۱۰. زبان آتشین: زبان همچون آتش

۱۱. آسمان لاجوردین: آسمان همچون لاجورد (نام سنگی به رنگ کبود)

سه دسته بررسی‌شده از ترکیب اسم ذات با پسوند «-ین» ساخته شده‌اند و در نتیجه سه زیرطرحواره بالا را باید تحت یک طرحواره مرتبه بالاتر و انتزاعی‌تر دانست که ساختار صوری آن به شکل  $[[a]_{(N\text{-thing})i} \text{-in}]_{Yj}$  است.

در برخی از واژه‌ها پسوند «-ین» با اسمی انتزاعی ترکیب می‌شود و صفت‌هایی با معنای «همراهی یا دارندگی» می‌سازد. زیرطرحواره مربوط به این واژه‌ها را به صورت زیر نمایش می‌دهیم که در آن واژه پایه با نماد N-abstract نشان داده شده‌است:

4)  $[[a]_{(N\text{-abstract})i} \text{-in}]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i \text{ با/دارای}]_j$

مانند: آهنگین، غمین، ننگین، راستین، دروغین، شرمین

صفت‌های حاصل از این زیرطرحواره معنای «همراه با» یا «دارای/ برخوردار از» مفهوم

انتزاعی پایه را به موصوف خود نسبت می‌دهند، مانند:

۱۲. شعر آهنگین: شعر دارای/ همراه با آهنگ

۱۳. دل غمین: دل دارای غم

۱۴. اخبار دروغین: اخبار همراه با دروغ

در یکی دیگر از زیرطرحواره‌های یافت‌شده در میان واژه‌های دارای پسوند «-ین» پسوند به یک اسم بیانگر مکان و موقعیت (زیر، رو، میان) افزوده می‌شود. گرچه در بیشتر کتاب‌های دستوری و حتی پژوهش‌های زبان‌شناختی پیرامون حروف اضافه در زبان فارسی این واژه‌ها را در زمره حروف اضافه به شمار آورده‌اند، بامشادی و انصاریان (۱۳۹۳) با استدلال‌ها و شواهد

گوناگون نشان داده‌اند که این گونه واژه‌ها را باید از مقوله اسم دانست و آنها را اسم جایگاه‌نما<sup>۱</sup> نامید. ما نیز به پیروی از این پژوهشگران واژه پایه در زیرطرحواره شماره (۵) را اسم می‌دانیم و با نماد N-loc نشان می‌دهیم.

5)  $[[a]_{(N-loc)i} - in]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i \text{ موقعیت در مکان}]$

مانند: زیرین، رویین، پسین، پیشین، پایین، سرین، واپسین، فرودین، فرازین، برین، تکین<sup>(۵)</sup>، میانین

پایه اشتقاق در این زیرطرحواره یک اسم جایگاه‌نما و واژه حاصل از آن صفتی است که بیانگر موقعیت و مکان اسم موصوف است، برای نمونه:

۱۵. سنگ زیرین: سنگ قرار گرفته در (موقعیت) زیر

۱۶. طبقه فرازین / فرودین: طبقه قرار گرفته در (موقعیت) فراز / فرود

۱۷. بخش پیشین: بخش قرار گرفته در موقعیت پیش

واژه‌های «پیشین، پسین» افزون بر معنای مکانی می‌توانند معنای زمانی نیز داشته باشند که در این صورت وابسته به زیرطرحواره زیر خواهند بود که در آن یک اسم بیانگر مفهوم زمان با پسوند «-ین» ترکیب می‌شود.

6)  $[[a]_{(N-time)i} - in]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i \text{ مربوط به زمان}]$

مانند: امروزین، دیروزین<sup>(۶)</sup>، دیرین، دوشین، پارین، پارسالین، امسالین، پیشین، پسین

در اینجا پسوند «-ین» با اسمی ترکیب می‌شود که دلالت بر مفهوم زمان دارد و حاصل آن صفت است که معنای «مربوط به زمان مورد اشاره در اسم پایه» را می‌رساند، مانند نمونه‌های زیر:

۱۸. جامعه امروزین: جامعه مربوط به امروز

۱۹. یار دیرین: یار مربوط به زمان دیر (گذشته)

۲۰. شراب پارین: شراب مربوط به زمان پار (پارسال)

تاکنون ۶ زیرطرحواره برای پسوند «-ین» شناسایی و واکاوی نمودیم که واژه پایه در همه آنها از مقوله اسم بود. این پسوند به جز اسم با عدد نیز می‌تواند ترکیب شود که در این صورت بازنمایی زیرطرحواره آن به شکل زیر خواهد بود.

1. locative noun

7) [SEM<sub>i</sub> مرتبه / جایگاه] ↔ [a]<sub>(Num)<sub>i</sub> -in</sub>A<sub>j</sub>

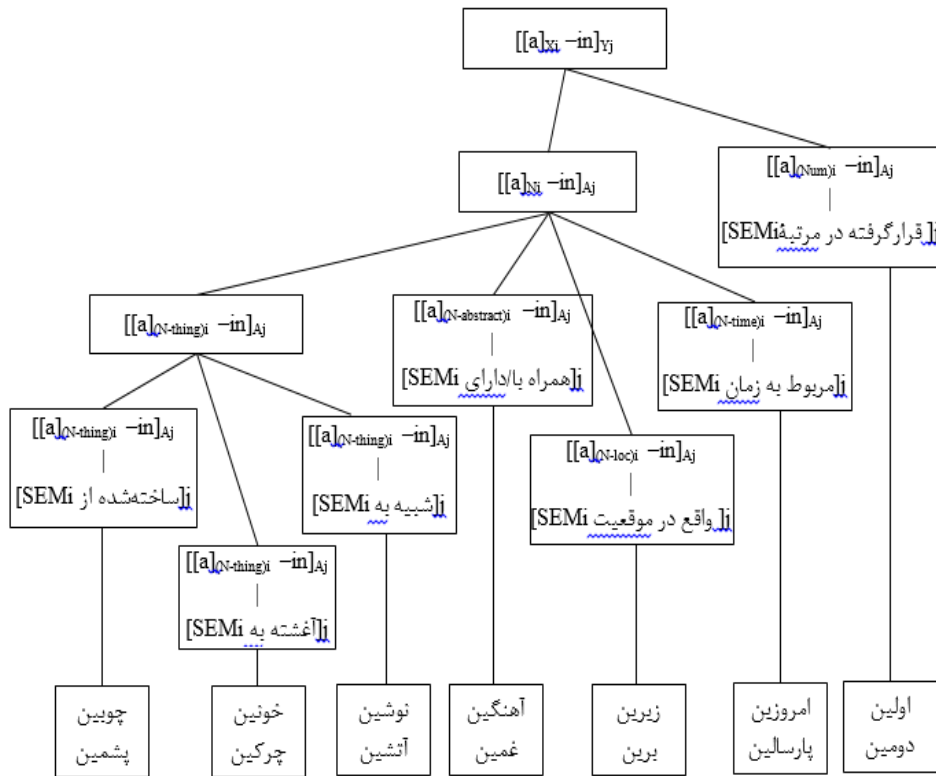
مانند: یکمین، دومین، سومین، دهمین، صدمین، هزارمین، اولین، نخستین، آخرین، چندمین  
در این زیرطرحواره پسوند «-ین» به واژه بیانگر عدد افزوده شده و صفتی می‌سازد که  
مرتبه و جایگاه موصوف را به صورت عدد ترتیبی توصیف می‌کند. این صفت‌ها بیشتر پیش از  
اسم موصوف می‌آیند، برای نمونه:

۲۱. سومین روز: روز واقع در مرتبه / جایگاه سوم

۲۲. آخرین نفر: نفر قرار گرفته در مرتبه / جایگاه آخر

ناگفته پیداست که به دلیل بی‌کران و نامحدود بودن اعداد ریاضی، تعداد واژه‌های دارای  
ساختار [عدد + ین] نیز در عمل بی‌شمار است (برای نمونه، سیصدوپنجاه‌وچهارمین) ولی ما  
در اینجا تنها ۱۰ مورد از آن را نمونه آورده‌ایم.

تاکنون دریافتیم که پسوند «-ین» در ۷ زیرطرحواره با معناهای متفاوت ظاهر می‌شود. در  
زیرطرحواره‌های ۱، ۲ و ۳ این پسوند با اسم ذات (نشان داده شده با نماد N-thing) ترکیب  
می‌شود و از این‌رو، این سه زیرطرحواره را باید وابسته به یک زیرطرحواره انتزاعی‌تر و کلی‌تر  
بدانیم، یعنی [a]<sub>(N-thing)<sub>i</sub> -in</sub>A<sub>j</sub>. خود این زیرطرحواره در کنار زیرطرحواره‌های ۴، ۵ و ۶  
وابسته به زیرطرحواره‌ای انتزاعی‌تر است که آن را به صورت [a]<sub>N<sub>i</sub> -in</sub>A<sub>j</sub> نشان می‌دهیم. در  
این زیرطرحواره انتزاعی‌تر، پایه اشتقاق از مقوله اسم است ولی زیرمقوله آن مشخص نیست و  
این زیرمقوله در زیرطرحواره‌های مرتبه پایین‌تر به صورت اسم ذات، اسم انتزاعی، اسم مکان و  
اسم زمان مشخص می‌گردد. در نهایت، این زیرطرحواره در کنار زیرطرحواره شماره ۷ هر دو  
وابسته به انتزاعی‌ترین و بالامرتبه‌ترین طرحواره مربوط به پسوند «-ین» هستند. رابطه  
پایگانی میان این زیرطرحواره‌های در شکل زیر به نمایش درآمده است.



شکل ۴- شبکه طرحواره‌ای-ساختی پسوند «-ین»

#### ۲-۴- پسوند «-ینه»

واژه‌های دارای پسوند «-ینه» دارای هفت ساختار صوری یا معنایی متفاوت‌اند. بیشترین آنها بیانگر معنای جنس یا ماده سازنده است (ابریشمینه، چوبینه) و ساختار صوری اسم + ینه<sup>۱</sup> صفت‌اسم دارند. اگر بخواهیم زیرطرحواره ساختی حاکم بر این واژه‌ها را نشان دهیم بازنمایی آن به صورت زیر خواهد بود:

1)  $[[a]_{(N-thing)_i} -ine]_{(A/N)_j} \leftrightarrow [SEM_i \text{ ماده/جنس/ماده}]_i$

مانند: ابریشمینه، آردینه، آهنینه، پرندینه، پشمینه، پلنگینه، چرمینه، چوبینه، خاکینه، روغینه، رویینه، زرینه، سفالینه، سیمینه، شکرینه، کشکینه، عنبرینه، گرگینه، گلیمینه، گلینه، ماستینه، مسینه، مویینه، نمکینه



در بازنمایی طرحواره‌ای-ساختی بالا واژه پایه اشتقاق با نماد N-thing مشخص شده است و این بدان معناست که واژه‌های پایه در این ساختار اسم‌های دال بر چیز/ شیء (اسم ذات) هستند. واژه حاصل از این زیرطرحواره می‌تواند از مقوله صفت و گاه از مقوله اسم باشد و به همین دلیل آن را با نماد A/N نشان داده‌ایم. معنای نمونه‌هایی از واژه‌های حاصل از این زیرطرحواره به صورت زیر خواهد بود:

۲۳. پارچه پشمینه: پارچه تهیه شده از جنس پشم

۲۴. خاگینه: غذایی تهیه شده از ماده خاک (تخم مرغ)

۲۵. عنبرینه: گردن بند ساخته شده از عنبر

در تعداد اندکی از واژه‌های دارای پسوند «-ینه» که ساختار صوری [اسم + ینه] صفت/اسم دارند، معنای «شباهت و همسانی» را می‌توان یافت که متفاوت از معنای زیرطرحواره شماره ۱ بالاست. بازنمایی طرحواره‌ای-ساختی این گونه واژه‌ها به شکل زیر خواهد بود:

2) [[a]<sub>(N-thing)i</sub> -ine]<sub>(A/N)j</sub> ↔ [SEM<sub>i</sub> چیزی] شبیه به/ همچون

مانند: قیرینه، نوشینه، چراغینه<sup>(۷)</sup>

پایه اشتقاق در این زیرطرحواره نیز اسم ذات است و از این رو آن را با نماد N-thing نشان داده‌ایم. واژه‌های برآمده از این زیرطرحواره از مقوله صفت یا اسم هستند. بر پایه این زیرطرحواره معنای واژه‌های زیر به صورت زیر بیان می‌شود:

۲۶. شب قیرینه: شب شبیه به/ همچون قیر (شب سیاه)

۲۷. خواب نوشینه: خواب شبیه به/ همچون نوش (خواب شیرین)

در دسته دیگری از واژه‌های ساخته شده با پسوند «-ینه» این پسوند با اسم بیانگر رنگ ترکیب می‌گردد و اسم یا صفتی می‌سازد که معنای برخورداری از رنگ را بیان می‌کند. بر این پایه، بازنمایی طرحواره‌ای-ساختی این واژه‌ها را به شکل زیر نشان می‌دهیم.

3) [[a]<sub>(N-color)i</sub> -ine]<sub>A/Nj</sub> ↔ [SEM<sub>i</sub> رنگ] دارای رنگ

مانند: سبزینه، لاجوردینه

از آنجاکه واژه پایه در این زیرطرحواره اسم بیانگر رنگ است که آن را با نماد N-color نمایش داده‌ایم و واژه حاصل از آن از مقوله اسم یا صفت است، مانند:

۲۸. سبزینه: ماده سبزرنگ/ دارای رنگ سبز

۲۹. کاشی لاجوردینه: کاشی دارای رنگ لاجورد

4)  $[[a]_{(N\text{-thing})i} \text{-ine}]_{Nj} \leftrightarrow [\text{SEM}_i \text{ باشد}]_j$ 

مانند: دستینه، نقدینه، فرشینه، گنجینه

در این زیرطرحواره، واژه پایه از مقوله اسم ذات است و واژه حاصل اسمی است که بر مفهومی در ارتباط با مفهوم پایه دلالت می‌کند، مانند:

۳۰. دستینه<sup>(۸)</sup>: چیزی که مربوط به دست باشد (امضا/ دستبند/ دست‌خط)  
 ۳۱. نقدینه: چیزی که مربوط به نقد (پول) باشد

در برخی واژه‌های یافت‌شده در پیکره واژه‌ای از مقوله اسم زمان است با پسوند «-ینه» ترکیب شده و صفت می‌سازد که آنها را می‌توان به صورت زیر بازنمایی کرد.

5)  $[[a]_{(N\text{-time})i} \text{-ine}]_{Aj} \leftrightarrow [\text{SEM}_i \text{ به زمان}]_j$ 

مانند: امروزینه، پارینه، پسینه، پیشینه، دوشینه، دیرینه، روزینه<sup>(۹)</sup>

از این زیرطرحواره که صفت‌هایی حاصل می‌شود که بیانگر نوعی ارتباط زمانی با معنای واژه پایه‌اند. در زیر نمونه‌های از بساخت‌های این زیرطرحواره آمده‌است:

۳۲. باده دوشینه: باده مربوط به دوش (دیشب)

۳۳. سخن پارینه: سخن مربوط به پار (پارسال)

واژه «پیشینه» در سال‌های اخیر بیشتر کاربرد اسمی پیدا کرده و در معنای «آنچه مربوط به زمان پیش باشد» به کار می‌رود.

یکی دیگر از زیرطرحواره‌های پسوند «-ینه» به صورت زیر است:

6)  $[[a]_{(N\text{-abstract})i} \text{-ine}]_{(A/N)j} \leftrightarrow [\text{SEM}_i \text{ ماهیت}]_j$ 

مانند: دروغینه، راستینه

این زیرطرحواره بیانگر ترکیب پسوند «-ینه» با یک اسم انتزاعی است و تنها دو واژه از آن یافت شده‌است که بیانگر ارتباط ماهیتی با معنای واژه پایه خود هستند:

۳۴. حرف دروغینه: حرف دارای ماهیت دروغ

۳۵. مرد راستینه: مرد دارای ماهیت راست (حقیقی)

در دسته دیگری از واژه‌ها پسوند «-ینه» با اسمی ترکیب می‌شود که دلالت بر جنسیت و به‌ویژه جنسیت انسان دارد (پسر، زن، ماده) و صفتی می‌سازد که این صفت معنای جنسیت موصوف خود را می‌رساند. بازنمایی زیر نشانگر طرحواره ساختی حاکم بر این گونه واژه‌هاست که در آن واژه پایه با نماد N-gender (اسم دال بر جنسیت) مشخص شده‌است:

7)  $[[a]_{(N-gender)_i} -ine]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i]$  جنس  $z_j$ 

مانند: پسرینه، دخترینه، زنینه، مردینه، مادینه، نرینه<sup>(۱۰)</sup>

همان‌گونه که گفته شد، واژه‌های حاصل از زیرطرحواره بالا صفت‌های بیانگر جنسیت هستند که البته گاه کاربرد اسمی نیز پیدا می‌کنند، مانند:

۳۶. فرزند مادینه: فرزند از جنس ماده (= دختر)

۳۷. کودک پسرینه: کودک از جنس پسر

۳۸. زنینه: از جنس زن

زیرطرحواره‌هایی که تاکنون بررسی کردیم همگی دارای پایه اسمی بودند، بنابراین همگی آنها را می‌توان وابسته به یک طرحواره مرتبه بالاتر به صورت  $[[a]_{Ni} -ine]_{Yj}$  دانست که خود دارای ۴ زیرطرحواره مرتبه پایین‌تر است. با این حال، در برخی از واژه‌ها پسوند «-ینه» با واژه‌هایی از مقوله صفت ترکیب می‌شود و واژه دیگری از مقوله صفت می‌سازند. صفت پایه در این گونه واژه‌ها بر کمیت یا کیفیت دلالت دارد (به، بهترین، کم). بازنمایی این زیرطرحواره به صورت زیر خواهد بود:

8)  $[[a]_{Ai} -ine]_{Aj} \leftrightarrow [SEM_i]$  تریین حد/اندازه/مقدار/مرتبه  $z_j$ 

مانند: بهترین، بهینه، بیشینه، کمترین، کمینه، کهنه، مهینه<sup>(۱۱)</sup>

معنای برخی از صفت‌های حاصل از زیرطرحواره پیش‌گفته را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

۳۹. انحنای کمینه: انحنای دارای کمترین حد/اندازه/مقدار

۴۰. مصرف بهینه: مصرف دارای بهترین حد/اندازه/مقدار

۴۱. استاد مهینه: استاد دارای مهترین مرتبه/اندازه

در سه مورد از واژه‌های دارای پسوند «-ینه» این پسوند با ستاک حال فعل ترکیب شده‌است که بازنمایی طرحواره‌ای - ساختی آن به صورت زیر خواهد بود:

9)  $[[a]_{(Vpres)_i} -ine]_{Nj} \leftrightarrow [SEM_i]$  عمل  $SEM_i$  را انجام دهند  $z_j$ 

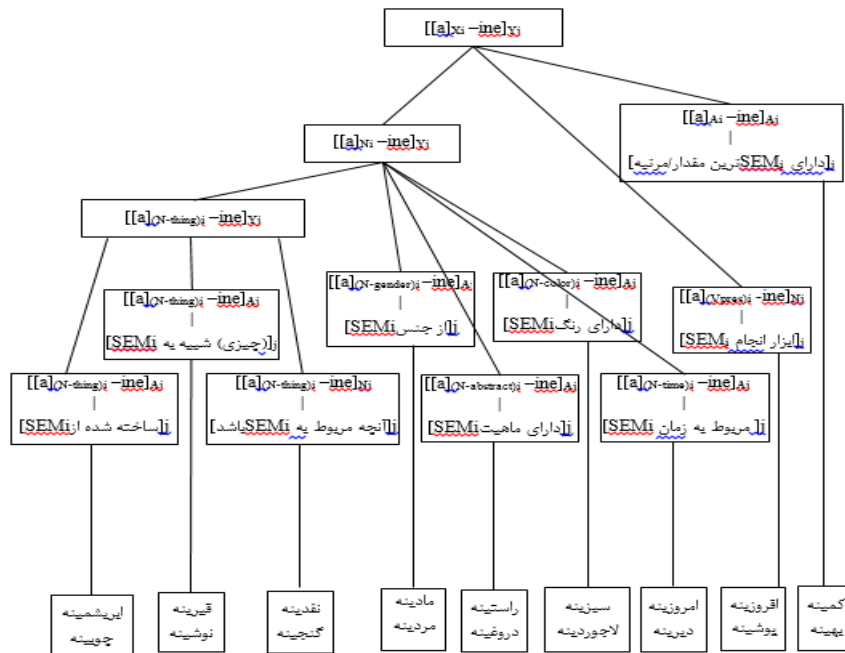
مانند: پوشینه، فروزینه، مکینه

از آنجاکه در واژه پایه در این طرحواره ستاک حال فعل است آن را با نماد  $Vpres$  نشان داده‌ایم. واژه‌های حاصل از این زیرطرحواره از مقوله اسم‌اند و بیانگر ابزاری که با آن عمل بیان شده در ستاک فعل را انجام می‌دهند، مانند:

۴۲. پوشینه<sup>(۱۲)</sup>: ابزاری که با آن عمل پوشیدن را انجام دهند (لباس)

۴۳. فروزینه<sup>(۱۳)</sup>: ابزاری که با آن عمل افروختن (روشن کردن آتش) را انجام دهند (آتش‌زنه، چخماق)

بر پایه آنچه گفته شد پسوند «-ینه» در ترکیب با واژه‌هایی از مقوله اسم، صفت و ستاک حال فعل می‌تواند واژه‌هایی از مقوله اسم یا صفت بسازد. نمودار شکل (۲) شبکه طرحواره‌ای ساختی پسوند «-ینه» را نشان می‌دهد که در آن طرحواره‌ها در ۴ لایه پایگانی قرار گرفته‌اند و در نهایت در پایین‌ترین سطح این شبکه ۹ زیرطرحواره مرتبه پایین وجود دارد که ناظر بر واژه‌های عینی دارای پسوند «-ینه» است. در بالاترین سطح نمودار طرحواره کلی را می‌توان دید که خود دارای سه زیرطرحواره برای الگوهای [اسم-ینه]، [صفت-ینه] و [فعل-ینه] است. الگوی [اسم-ینه] دارای پنج زیرطرحواره مرتبه پایین‌تر است که در آنها زیرمقوله‌های اسم مشخص می‌شود؛ این زیرمقوله‌ها شامل اسم ذات، اسم جنسیت، اسم رنگ، اسم انتزاعی و اسم زمان است. خود زیرطرحواره [اسم ذات-ینه] سه زیرطرحواره دیگر را شامل می‌شود که گرچه از دید صوری یکسان‌اند ولی از دید معنایی با هم تمایز دارند. سرانجام در پایین‌ترین سطح نمودار واژه‌های عینی وابسته به هر زیرطرحواره را می‌توان یافت.



شکل ۵- شبکه طرحواره‌ای ساختی پسوند «-ینه»

## ۵- نتیجه‌گیری

گرچه دو پسوند «-ین» و «-ینه» ریشه یکسانی در زبان‌های ایرانی باستان دارند و در ایرانی میانه دو صورت متفاوت از یک‌و‌ند واحدند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۵)، در زبان فارسی امروز آنها را باید پسوندهایی مجزا دانست که البته از لحاظ صوری و معنایی همسانی‌هایی میان آنها دیده می‌شود و حتی گاه می‌توان آن را به جای یکدیگر به کار برد؛ یعنی هم‌پوشانی معنایی و کاربردی دارند. تفاوت‌های این دو پسوند هم در مقوله‌واژه‌هایی که پایه پذیرنده این پسوندها هستند دیده می‌شود، هم در مقوله‌واژه‌های حاصل از آنها و هم در معنای واژه‌های حاصل از آنها. پسوند «-ین» تنها به واژه‌های از مقوله اسم و عدد افزوده می‌شود اما «-ینه» به واژه‌هایی از مقوله اسم، فعل (به صورت ستاک حال) و صفت افزوده می‌گردد؛ پسوند «-ین» تنها واژه‌هایی از مقوله صفت می‌سازد اما «-ینه» از مقوله اسم و صفت. این دو پسوند از لحاظ معنایی نیز تفاوت‌هایی دارند که در بخش چهارم مقاله به‌گسترده‌گی بحث شد.

پسوند «-ین» در زبان فارسی، هم به عنوان پسوند اشتقاقی کاربرد دارد و هم به عنوان پسوند تصریفی (سازنده صفت عالی از صفت تفضیلی، مانند زیباترین، بهترین). ما در این پژوهش تنها به بررسی کاربرد اشتقاقی این پسوند پرداختیم و نشان دادیم که به کمک طرحواره‌ها و زیرطرحواره‌های ساختی می‌توان پیوند میان معناهای گوناگون یک تکواژ اشتقاقی را به‌خوبی نشان داد. پس همان‌گونه که بوی (۲۰۰۷) استدلال کرده‌است، اگر الگوهای واژه‌سازی را طرحواره‌های ساختی بینگاریم که ویژگی‌های مشترک مجموعه‌ای از واژه‌های آمیخته در خود دارند، آنگاه توانایی تبیین پدیده چندمعنایی که در الگوهای ساخت واژی زبان‌های گوناگون به فراوانی یافت می‌شود را به دست خواهیم آورد، به‌ویژه، ایده واژگان پایگانی و زیرطرحواره‌ها در این زمینه بسیار راه‌گشا و کارساز است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در وندها با گونه‌ای چندمعنایی روبه‌رو هستیم که نه در سطح واژه‌های عینی بلکه در سطح طرحواره‌های ساختی قابل تبیین است و از این‌رو آن را چندمعنایی ساختی می‌نامند. بر این پایه، نظریه ساخت واژه ساختی مفهوم تازه‌ای از چندمعنایی بر ما آشکار می‌سازد که همانا چندمعنایی پایگانی در سطح ساخت‌های انتزاعی زبان است؛ بدین صورت که هر یک از معناها متمایز یک‌و‌ند (یا به بیان دقیق‌تر، یک الگوی واژه‌سازی) در قالب یک زیرطرحواره مجزا پدیدار می‌شود و رابطه شبکه‌ای میان زیرطرحواره‌ها بازنماینده رابطه میان معناها چندگانه‌وند یا الگوی واژه‌سازی موردنظر است. بر این پایه، به‌جای آنکه بگوییم واژه «مویین»، برای نمونه، واژه‌ای چندمعناست می‌گوییم

الگوی واژه‌سازی [اسم-ین] الگویی چندمعناست و هر یک از معناهای آن در قالب زیرطرحواره‌ای خاص نمود می‌یابد. پس چندمعنایی «موبین» به دلیل وابستگی آن به دو یا چند زیرطرحواره مختلف است. چندمعنا بودن یک الگوی واژه‌سازی به این معنا نیست که همه واژه‌های برآمده از آن نیز چندمعنا باشند. ممکن است هیچ یک از واژه‌های عینی برآمده از یک الگوی واژه‌سازی به صورت بالفعل چندمعنا نباشند ولی خود الگو چندمعنا باشد. دستاورد اصلی پژوهش حاضر این است که چندمعنایی الگوهای واژه‌سازی مرتبط با پسوندهای «ین» و «-ینه» را با رویکردی شناختی و به صورت نظام‌مند تبیین کرده و اهمیت فرایند شناختی «طرحواره‌سازی»<sup>۱</sup> را در شکل‌گیری الگوهای و زیرالگوهای واژه‌سازی نشان داده‌است. این پژوهش همچنین شواهدی در پشتیبانی از رویکرد واژه‌بنیاد و ساخت‌بنیاد ارائه کرده‌است.

### پی‌نوشت

۱. این پیکره که دربرگیرنده واژه‌های مشتق و مرکب فارسی امروز است، به تدریج در چند سال از کتاب‌ها، روزنامه‌ها و پایگاه‌های اینترنتی گردآوری شده‌است.
۲. آن‌گونه که کشانی (۱۳۷۲) نوشته‌است، منبع اصلی واژه‌های فرهنگ زانسو را می‌توان فرهنگ فارسی معین دانست که نزدیک به ۴۰۰۰ واژه از زبان عامیانه نیز به آن افزوده شده و در مجموع ۷۴۴۱۵ واژه را در بر می‌گیرد.
۳. منظور از دستور در اینجا همان grammar است. چون در رویکرد ساخت‌بنیاد باور بر این است که هم واژه‌های ملموس و عینی و هم ساخت‌های دستوری کمابیش انتزاعی - مانند زیرطرحواره‌ها و طرحواره‌های ساختی در همین مقاله - هر دو در واژگان ذهنی اهل زبان در قالب شبکه‌هایی ساختارمند ذخیره می‌شوند، بنابراین گفته می‌شود که میان دستور (طرحواره‌های ساختی) و واژگان (واژه‌های عینی وابسته به این طرحواره‌های ساختی) تفاوتی وجود ندارد و هر دو به یک صورت ذخیره و بازیابی می‌شوند. به همین دلیل به جای اصطلاح «واژگان» (lexicon) از «ساختگان» (constructicon) استفاده می‌کنند. دو شبکه طرحواره‌ای - ساختی که در این مقاله ترسیم کرده‌ایم (شکل‌های ۴ و ۵) بخش بسیار کوچکی از ساختگان ذهنی ما هستند که هم دربردارنده دستور (یعنی الگوهای واژه‌سازی) است و هم واژه‌های عینی که این الگوها را در خود نهفته دارند.

۴. دلیل به بیش از یک زیرطرحواره تعلق داشتن برخی از واژه‌ها مانند «آتشین» و «مویین» چندمعنایی آنهاست. پیرامون چندمعنایی در الگوهای واژه‌سازی در نتیجه‌گیری سخن می‌گوییم.
۵. تکین: زیرین (تک = ته)
۶. این دو واژه برگرفته از فرهنگ زانسو هستند. البته در فرهنگ دهخدا نیز آمده‌اند.
۷. چراغینه: کرم شبتاب
۸. دستینه: دستبند، امضا، دسته، دست‌خط، حکم (فرهنگ فارسی عمید)
۹. روزینه: روزی، رزق
۱۰. واژه‌های مادینه، مردینه، زیننه، پسرینه برگرفته از فرهنگ زانسو و واژه‌های نرینه، دخترینه برگرفته از فرهنگ دهخدا هستند.
۱۱. همهٔ این واژه‌ها برگرفته از فرهنگ فارسی زانسو هستند و در فرهنگ دهخدا نیز آمده‌اند.
۱۲. پوشینه: جامه، سرپوش
۱۳. فروزینه: آتش‌زنه، چخماق (فرهنگ دهخدا)

## منابع

- ابوالقاسمی، م. ۱۳۷۵. دستور تاریخی زبان فارسی. تهران: سمت
- بامشادی، پ. و ش. انصاریان. ۱۳۹۳. «حرف اضافه یا اسم جایگاه‌نما». مقالات نهمین همایش زبان‌شناسی ایران، به کوشش م. دبیرمقدم. جلد اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی: ۲۴۹-۲۶۴.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۹۴. «تبیین ساختارهای ناپایگانی زبان فارسی در چارچوب نظریهٔ ساخت‌واژه ساخت‌محور». مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان، دانشگاه تهران، انتشار به‌صورت لوح فشرده.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۹۵. «رویکرد ساخت‌بنیاد به صرف و کاربرد آن در آموزش واژه‌های مشتق و مرکب فارسی برای فارسی‌آموزان». مقالات نخستین همایش واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، به کوشش م. میردهقان. جلد دوم. تهران، نشر خاموش: ۹۹۹-۱۰۲۰.
- بامشادی، پ. و ف. قطره. ۱۳۹۶. «چندمعنایی پسوند «-ی» فارسی: کندوکاوی در چارچوب ساخت‌واژه ساختی». جستارهای زبانی، (۴۲): ۲۶۵-۲۸۹.
- بامشادی، پ.؛ ش. انصاریان و ن. داوری اردکانی. ۱۳۹۷. «چندمعنایی پسوند «-انه» فارسی: رویکرد ساخت‌واژه ساختی». مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، (۲۲): ۱-۱۱.
- بامشادی، پ. و ش. انصاریان [زیر چاپ]. «نقش طرحواره‌های مرتبه دوم در تحلیل ساختارهای اسم + شناسی/نگاری/کاوی و صفت‌های متناظر آنها در زبان فارسی». جستارهای زبانی.

- بهشتی، ع. ۱۳۵۵. *ساختمان واژه زبان فارسی امروز*. تهران: چاپخانه پیروز.
- تاکی، گ. ۱۳۹۱. «طبقه بندی وندهای اشتقاقی زبان فارسی». *زبان و زبان‌شناسی*، (۱۵): ۱۲۵-۱۴۰.
- رفیعی، ع. ۱۳۹۱. «صرف ساخت‌محور: شواهدی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی». *مقالات هشتمین همایش زبان‌شناسی ایران، به کوشش م. دبیرمقدم*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۳۲۷-۳۳۶.
- رفیعی، ع. و س. ترابی ۱۳۹۳. «وراثت و انگیزگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی». *علم زبان*، ۲(۳): ۴۹-۶۴.
- سامعی، ح. و م. تفسیری. ۱۳۹۳. *الگوهای ساخت واژه در زبان فارسی*. تهران: آثار.
- شریعت، م. ج. ۱۳۹۰. «نقدی بر ساختار صفت نسبی در زبان فارسی». *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، (۴): ۵۳-۶۷.
- صادقی، ع. ا. ۱۳۷۲. «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۱)». *نشر دانش*، (۷۷): ۲۱-۲۵.
- صمصامی، م. ۱۳۴۶. *پیشوندها و پسوندهای زبان فارسی*. اصفهان: نشر مشعل.
- عظیم‌دخت، ذ. و ع. رفیعی. ۱۳۹۵. «واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال از منظر صرف ساختی: مورد [x - یاب]». *مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف، به کوشش ش. مدرس خیابانی و ف. قطره، تهران: نشر نویسه پارسی*: ۱۴۳-۱۷۰.
- کشانی، خ. ۱۳۷۱. *اشتقاقی پسوندی در زبان فارسی امروز*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۷۲. *فرهنگ فارسی زانسو*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلباسی، ا. ۱۳۹۱. *ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- نجفیان، آ؛ ب. روشن و ز. قیراطی. ۱۳۹۴. «صرف کاربردشناختی پسوندهای نسبت در زبان فارسی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، (۱۳): ۲۱-۳۸.
- Booij, G. 2007. "Construction Morphology and the Lexicon". In F. Montermini, G. Boye & N.R. Hathout (Eds.), *Selected Proceedings of the 5<sup>th</sup> Decembrettes: Morphology in Toulouse*, pp. 33-44.
- \_\_\_\_\_ 2010. *Construction morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ 2013. "Morphology in Construction Grammar". In T. Hoffmann & G. Trousdale (eds.), *The Oxford Handbook of Construction Grammar* (pp. 255-274). Oxford: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ 2016. "Construction morphology". In A. Hippisley and G. Stump (eds.), *The Cambridge handbook of morphology* (pp. 424-448). Cambridge: Cambridge University Press.
- \_\_\_\_\_ 2018. "The Construction of Words: Introduction and Overview". in G. Booij (ed.), *The Construction of Words: Advances in Construction Morphology* (pp. 3-16). Cham: Springer.